ایران

سال بیست و چهارم
شماره ۶۹۰۲
چهارشنبه
۲۵ مهر ۱۳۹۷
۷ صفر ۱۴۴۰
۲۴ صفحه
استان تهران و البرز ۱۰۰۰ تومان
سایر استان‌ها ۵۰۰ تومان
Wednesday
17 Oct 2018
No. 6902
ISSN1027-1449 Keytitle: IRAN (Tehran)
IRAN-NEWSPAPER.COM

سفیر ژاپن در دیدار با روحانی: شرکت‌های ژاپنی همچنان در ایران خواهند ماند
۲

شهادت حضرت امام حسن مجتبی(ع) بر عموم مسلمانان تسلیت باد

شهر ثبات می خواهد

کارشناسان در گفت‌وگو با «ایران» درباره اداره کلانشهر تهران می‌گویند
۲۱

مردم چه می‌خواهند؟

میزگردی با حضور سیدجواد میری و ابراهیم فیاض
۱۰

روزگار سخت چادرنشینان هامون

باید کوه باشی که با خشکسالی بمانی
۹

طنین صداها در پاستور

پیامدهای گفت‌وشنود روحانی با نخبگان سیاسی و اقتصادی

در گفتارهایی از محمد عطریانفر، اشرف بروجردی، محمد خوش چهره، محمدعلی ابطحی، محمدمهدی اسلامی، احمد شیرزاد - صاحبنظران معتقدند این دیدارها باید تداوم یابد تا به نتیجه برسد

گزارش | گروه سیاسی

سنت حسنه دیدار با نخبگان سیاسی، اقتصادی و دانشگاهی که هر سال در ماه رمضان و در قالب افطاری‌های رئیس جمهوری انجام می‌شد، حالا به ماه‌های دیگر تسری یافته است. در هفته‌های گذشته حسن روحانی رئیس جمهوری کشورمان هم با فعالان حزبی و سیاسی دیدار و گفت‌وگو کرد و هم اخیراً میزبان اندیشمندان حوزه اقتصاد بود. آن گونه که اعلام شده است قرار است این دیدارها ادامه داشته باشد. دیدارهایی که در آن میهمانان فرصت ابراز عقیده، پیشنهاد و حتی نقد و اعتراض را غنیمت شمرده و به قولی هرچه دل تنگ‌شان می‌خواهد، می‌گویند. به اعتقاد بسیاری این دیدارهای چهره به چهره و به دور از هیاهوی رسانه‌ای و سیاسی، به رئیس دستگاه اجرایی کشور فرصت می‌دهد تا بی واسطه از نظرات نخبگان و کارشناسان بهره‌مند شود...

صفحه ۲ را بخوانید

ورود محدود زنان به ورزشگاه
۲۳

عکس: نعیم احمدی / ایران

گروگانگیری بامدادی در میرجاوه

علمای اهل سنت شرق و غرب ایران گروگانگیری حافظان امنیت کشور را محکوم کردند
۲

احساس تنهایی دستاورد تجرد قطعی

همراه با مطالب و یادداشت هایی از نیره توکلی مصطفی آب روشن، شهلا کاظمی پور، مریم رسولیان، مصطفی فروتن و ...
۱۱ تا ۱۴

حبس مردان بدهکار مهریه پایان می‌یابد؟

واکنش موافقان و مخالفان به ابلاغ بخشنامه مهم تعدیل مهریه از سوی قوه قضائیه
۷

خانواده در تنش

اول دفتر

هر حوزه‌ای از جامعه را که می‌نگریم با نوعی از تنش‌های عملی و فکری مواجه است. این تنش‌ها میان ارزش‌هایی است که ساختار رسمی تبلیغ می‌کند با واقعیاتی که در جامعه شاهد آن هستیم. حتی درون آن ارزش‌های رسمی نیز شکاف‌ها و ناسازگاری‌های فراوانی را می‌بینیم. یکی از حوزه‌هایی که بیش از هر جای دیگری شاهد این تضادها و شکاف هستیم، خانواده و موضوع زن است. ساختار رسمی دوست دارد که روابط میان دو جنس حتی‌المقدور کم شود، زنان به خانه‌ها بازگردند، الگوی نان‌آوری و ریاست مرد در خانواده غالب باشد، روابط دو جنس فقط در چارچوب خانواده باشد، الگوی پوشش زنان کامل و حتی چادر باشد، مقررات و قوانین خانواده سنتی جاری و ساری باشد، قوانین و مقرراتی که با ساختار و شرایط خانوادگی امروز سازگاری ندارد.

این خواسته‌ها از دو سو با چالش مواجه شده است؛ یکی از سوی دیگر ارزش‌های رسمی در ساختار سیاسی. برای نمونه توسعه آموزش بویژه آموزش عالی میان زنان، که در تعارض کامل با ارزش‌های سنتی پیش گفته است. همچنین برنامه‌های رسمی فرهنگی (مثل سینما و تئاتر و...) و حتی اجتماعی (مثل ورزش قهرمانی) و سیاسی (مثل انتخابات) که نیازمند حضور زنان است و چاره‌ای جز تن دادن به آنها ندارند، ولی تعارض جدی‌تر این ارزش‌ها با ساختار اجتماعی و واقعیت‌های عینی است. توسعه شبکه‌های اجتماعی، بالا رفتن سن ازدواج و وجود بازار کار برای زنان، رسیدن به موقعیت‌های برابر با مردان، کوچک شدن اندازه خانواده، گسترش شهرنشینی و... جملگی موجب شده است که سیاست‌های رسمی درباره زنان و خانواده به جای آنکه سرمه‌ای به چشم این مسأله بکشد، آن را کور کرده است. مقاومت‌های رسمی در برابر تحولات خانواده و حقوق زنان، موجب شده که تغییرات با تأخیر ولی همراه با آثار زیانبار رخ دهد. برای نمونه پرهیزکاری جنسی که همیشه یک الگوی ثابت در ارزش‌های رسمی بود، اکنون در برابر واقعیات مربوط به این امر دچار چنان شکستی شده است که بعید می‌نماید هیچ‌کدام از جوامع مشابه ایران یا همسایگان ما دچار بحرانی تا این حد ژرف باشند. این وضعیت به گونه‌ای است که برخی کارشناسان، از آن به‌عنوان انقلاب جنسی نام می‌برند. اخباری که در این زمینه از وضع جامعه شنیده می‌شود، حتی قابل نقل نیست. این وضعیت محصول تأکید افراطی بر موضوعاتی بود که ضرورتی نداشت و رفتارهای کنونی به نوعی بازتاب آن سیاست‌ها است. هدف ارزشمند رسیدن به پایداری و استحکام خانواده، اکنون به روند افزایشی طلاق در جامعه ایران تبدیل شده است، به‌طوری که نسبت طلاق به ازدواج طی چند سال دو برابر شده است و این روند افزایشی کماکان ادامه دارد.

همه اینها کم بود اکنون با مشکل مهریه‌ها مواجه شده‌ایم. مهریه که در گذشته عامل بقا و دوام خانواده بود، اکنون به عامل ناپایداری آن تبدیل شده است. مهریه در ساختار خانواده سنتی کمابیش به‌منزله پولی بود که مرد به ازای سلب آزادی زن می‌پرداخت. زنی که حق انتخاب شغل، تحصیل، خروج از خانه و حق حضانت، حتی طلاق و خیلی از حقوق دیگر را نداشت. طبیعی است که این آزادی‌ها را به ازای مهریه می‌فروخت ولی با مرور زمان و با افزایش تحصیلات زنان و توسعه اقتصادی و اجتماعی، زنان در موقعیتی قرار گرفتند که نمی‌توانستند این آزادی‌ها را با چیز دیگری معاوضه کنند، بنابراین باید در یک ازدواج برابر حقوقی وارد می‌شدند. این اتفاق ابتدا برای زنان طبقات میانی و بالای جامعه رخ داد ولی وزن زنان و خانواده‌های سنتی بیشتر بود. در نتیجه صدای زنان طبقات متوسط و مرفه بالاتر بود و اعتراض کردند. پس از انقلاب حکومت متوجه شد که با الگوهای ازدواج سنتی نمی‌توان مسأله را حل کرد، در اولین گام برخی شروط ضمن عقد را اضافه کردند تا موازنه برقرار شود ولی کم‌کم معلوم شد که این مسأله کارساز نیست. مشکل مهم این بود که زنان خواهان برابری در حقوق بودند، ولی در عین حال مهریه را نیز می‌گرفتند و چون تورم شدید بود، از دریافت و تعیین ریال به سکه رسیدند، چون مهریه بی‌معنا شده بود، حالت فانتزی پیدا کرد. در خانواده سنتی مهریه امری واقعی بود و حتی در زمان ازدواج آن را می‌گرفتند. مثل باغ و خانه و... ولی در ازدواج‌های جدید گفتند مهریه را کی داده کی گرفته، پس ارقامش فانتزی شد و مثلاً ۱۳۶۴ سکه طلا به مناسبت سال تولد عروس خانم! حتی برخی ۱۹۸۵ را ملاک گرفتند و خدا رحم کرد که تاریخ شاهنشاهی حذف شده بود و الا ۲۵۴۴ سکه مهریه تعیین می‌کردند.

ادامه در صفحه ۳

مصائب لیست سیاه FATF

یادداشت

سیدمحمدهادی موسوی
کارشناس سیاسی

اجلاس عمومی «گروه ویژه اقدام مالی» (FATF) از روز یکشنبه با حضور بیش از ۸۰۰ نماینده از نهادها و کشورهای مختلف در دفتر مرکزی «سازمان همکاری و توسعه اقتصادی» در پاریس (OECD) آغاز شده و تا روز جمعه ادامه خواهد داشت. طبق برنامه اعلام شده، بررسی اقدامات کشورهای ایران، اتریش، دانمارک و مالزی نیز در دستور کار این نهاد قرار دارد.

در آخرین جلسه این نهاد (ژوئن ۲۰۱۸)، ایران فقط تا این اجلاس فرصت داشت اقدامات لازم را انجام دهد در غیر این صورت احتمالاً به لیست سیاه برخواهد گشت. براساس اکشن پلن ایران، می‌بایست تعدادی از قوانین، تصویب و اصلاح شده و اقدامات اجرایی دیگری نیز صورت می‌پذیرفت. ایران گرچه از ۴۱ اقدام لازم، بخش عمده‌ای از آنها را انجام داده لکن، تصویب و تأیید قوانین مربوطه همچنان در مبادی قانونی کشور در حال رفت و آمد بوده و عملاً هیچ یک از قوانین مربوطه تأیید نشده‌اند. از همین رو، دبیر اجرایی این نهاد نیز پیش از برگزاری اجلاس عمومی اعلام کرد وضعیت ایران در اجرای الزامات این نهاد چندان رضایتبخش نبوده و بیش از ۱۰ ماه از ضرب‌الاجل این نهاد جهت تصویب قوانین گذشته است. بیان این سخنان، احتمال بازگرداندن ایران به لیست سیاه این نهاد را تقویت می‌نماید. اتفاقی که می‌تواند با توجه به تحریم‌های آتی، مشکلات فراوانی در زمینه تبادلات بانکی به وجود آورد.

گزارش‌های این گروه از چند جهت حائز اهمیت بوده لذا برگشت ایران به لیست سیاه تبعات مختلفی خواهد داشت. در این یادداشت به صورت مختصر به بررسی سه اثر عمده بازگشت به لیست سیاه این نهاد می‌پردازیم.

اولین تأثیر برگشت به لیست سیاه، افزایش ریسک مؤسسات مالی و بانکی بین‌المللی جهت ایجاد تبادل مالی با نظام بانکی ایران علی‌الخصوص در زمینه انتقال ارز ناشی از فروش نفت است. براساس توصیه‌های این گروه (توصیه‌های ۱۳ و ۱۹)، مؤسسات مالی باید اقدامات احتیاطی فراوانی در برقراری رابط کارگزاری با کشورهای لیست سیاه (High Risk) را مراعات کنند. در حقیقت برگشت به لیست سیاه به معنای قطع همکاری اندک مؤسسات بانکی خارجی علاقه‌مند به همکاری با نظام بانکی ایران (شامل بانک مرکزی و بانک‌های داخلی) است. عمیق‌ترین تأثیر برگشت به لیست سیاه این نهاد، عدم کارآیی سازوکار جدید اتحادیه اروپا در حفظ برجام (SPV) است چرا که ریسک تعامل با نظام بانکی ایران، علاوه بر اقدامات تنبیهی ایالات متحده امریکا، مضاعف خواهد شد و عملاً هیچ بانکی، حتی بانک‌های مرکزی اروپایی، چنین ریسکی را نخواهند پذیرفت. در شرایط پیش رو که اروپا متعهد به حفظ برجام شده و اجرایی شدن این تعهد منوط به فعال‌سازی SPV است، برگشت به لیست سیاه این نهاد، عملاً برجام را به محاق خواهد برد.

دومین تأثیر برگشت به لیست سیاه، سقوط شاخص بازل در نظام بانکداری است. شاخص بازل در بانکداری از این جهت اهمیت دارد که ریسک‌های سیاسی، اقتصادی و بانکداری را بررسی و درجه‌بندی می‌کند. ۳۰ درصد از شاخص بازل به ریسک‌های سیاسی، یعنی گزارش‌های FATF و وضعیت کشورها در ممیزی‌های این نهاد بستگی دارد. پایین بودن شاخص بازل نظام بانکی ایران، یکی از مهم‌ترین دلایل بانک‌های کوچک و متوسط اروپایی در عدم ایجاد رابطه کارگزاری در پسابرجام بود. در شرایط تحریم پیش رو نیز هرگونه برقراری رابطه کارگزاری علاوه بر وجود ریسک‌های سیاسی، ریسک‌های بانکی و اقتصادی نیز در پی خواهد داشت از این رو عادی شدن وضعیت ایران و حتی شروع فرآیند عضویت در FATF می‌تواند شاخص بانک‌های داخلی را بهبود بخشیده و امید به ایجاد رابطه کارگزاری جدید، افزایش یابد. گرچه همچنان اصلاح داخلی نظام بانکی نیز عامل مؤثری در اصلاح این شاخص است.

سومین تبعات برگشت به لیست سیاه FATF، کاهش شاخص اعتباری ایران است. با توجه به اینکه نهاد FATF یکی از زیر شاخه‌های «سازمان همکاری و توسعه اقتصادی» است (دفتر این نهاد در ساختمان مرکزی سازمان OECD است) برگشت به لیست سیاه این نهاد باعث کاهش رتبه اعتباری کشور خواهد شد. در حال حاضر رتبه ایران به (۶) کاهش یافته این در حالی است بعد از برجام رتبه ایران به (۵) ارتقا یافته بود.

ادامه در صفحه ۳

تعدیل زندانیان مهریه

یادداشت

سیدمهدی حجتی
وکیل دادگستری

ماده ۳ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی، اجازه داده است تا در صورتی که امکان اجرای حکم دادگاه در خصوص محکومیت مالی کسی، از طریق شناسایی و توقیف اموال وی فراهم نشود؛ به درخواست ذی‌نفع تا زمان پذیرش درخواست اعسار یا جلب رضایت محکوم‌له، بازداشت شود.

اما با افزایش تعداد زندانیان مهریه و ضرورت کاهش جمعیت زندانیان مالی، قانونگذار با تصویب ماده ۲۲ قانون حمایت از خانواده در اسفندماه سال ۱۳۹۱، محدودیت‌هایی را برای بازداشت محکومین به پرداخت مهریه ایجاد کرد؛ به نحوی که به موجب این ماده، ضمانت اجرای بازداشت شوهر در قبال استنکاف از پرداخت مهریه زوجه، صرفاً تا ۱۱۰ عدد سکه یا معادل ریالی آن را در برگرفت و نسبت به مازاد ۱۱۰ عدد سکه یا معادل ریالی آن، دیگر ضمانت اجرای حبس و بازداشت ممنوع و مقرر شد، مازاد بر این مقدار مهریه در صورتی قابل وصول است که زوجه بتواند اموالی را جهت توقیف به مرجع قضایی معرفی کند.

این راهکار اگرچه تا اندازه‌ای باعث کاهش تعداد زندانیان مهریه شد، لیکن با افزایش غیر متعارف قیمت مسکوکات طلا در ماه‌های اخیر، مجدداً تعداد افرادی که بواسطه عدم امکان تأدیه مهریه همسرانشان راهی زندان‌ها شدند رو به افزایش گذاشت تا آنجا که حتی کسانی هم که سابقاً اعسار ایشان از پرداخت یکباره مهریه در دادگاه ثابت شده بود و رأی به پرداخت اقساطی مهریه توسط ایشان صادر شده بود؛ در عمل نتوانستند اقساط تعیین شده توسط دادگاه را در سر رسید پرداخت کنند ولذا با دستور جلب صادره از ناحیه دادگاه‌های خانواده و به درخواست همسران فعلی یا سابق خویش، به زندان معرفی شدند.

وقوع این امر در عمل، باعث نقض غرض قانونگذار در امر تصویب ماده ۲۲ قانون حمایت از خانواده شد که هدف آن کاهش تعداد زندانیان مهریه بود؛ زیرا تورم در مدت کوتاهی آنچنان به صورت افسارگسیخته افزایش یافت که امکان اصلاح قانون و تعدیل و کاهش میزان مهریه‌ای که عدم پرداخت آن با ضمانت اجرای بازداشت مواجه بود حتی برای قانونگذار نیز فراهم نشد.

بدین ترتیب با عنایت به اینکه افزایش نرخ طلا در بازار تأثیری در حکم قانونگذار برای جلوگیری از اعمال ضمانت اجرای بازداشت ندارد و مقنن نیز با تعیین تعداد معینی مسکوک طلا بدون در نظر داشتن ارزش ریالی آن، حق بازداشت شوهر را به همسر وی داده است؛ لذا در شرایط فعلی این دادگاه‌ها و مراجع قضایی هستند که باید با توجه به افزایش بی‌ضابطه ارزش مسکوکات طلا در کشور، مانع از بازداشت بدهکاران مهریه در کشور شوند؛ زیرا تکلیف به پرداخت تعداد ۱۱۰ عدد سکه تمام بهار آزادی حتی در مواردی که این تعداد مسکوک، تقسیط هم شده باشد؛ بواسطه عدم افزایش درآمد شهروندان از مصادیق تکالیف مالایطاق است که افراد قادر به انجام آن نیستند.

از نظر حقوقی، «اعسار» امری حادث محسوب می‌شود نه ثابت. به عبارتی دیگر ممکن است فردی امروز معسر باشد اما در آینده از تمکن مالی لازم برای پرداخت مهریه یا سایر دیون خویش برخوردار شود. بر عکس این قضیه نیز صادق است، بدین نحو که کسی ممکن است امروز از نظر مالی متمکن بوده و درآمد وی برای پرداخت دیونی که بر ذمه دارد کفایت کند لیکن بر اثر حوادث و اتفاقاتی ناخواسته، ملائت و تمکن مالی خویش را در آینده از دست داده و معسر شود. این موضوع دقیقاً در مورد محکومین به پرداخت مهریه صادق است؛ زیرا کم نبوده و نیستند افرادی که در زمان صدور حکم محکومیت خویش و با توجه به قیمت سکه بهار آزادی در بازار، تمکن مالی لازم را برای پرداخت یکجا یا اقساطی مهریه همسر خویش را داشته اند؛ لیکن با افزایش چشمگیر و غیر قابل تصور قیمت سکه، از ایسار خارج و به اعسار مبتلا گردیده‌اند.

در این گونه موارد با توجه به مقررات قانونی، دادگاه‌ها باید به صورت خارج از نوبت به درخواست‌های اعسار از پرداخت یکجای مهریه رسیدگی کرده و بر مبنای درآمد و میزان ملائت مردان، اقساط متناسب با وضعیت مالی ایشان را برای پرداخت مهریه موضوع حکم تعیین کنند و در مورد افرادی هم که سابقاً معسر شناخته شده ولی امروز بواسطه افزایش قیمت سکه، از عهده پرداخت اقساط تعیینی سابق برنمی‌آیند، درخواست‌های تعدیل را نیز که ماهیتاً اعسار محسوب می‌شود را به صورت خارج از نوبت مورد رسیدگی قرار دهند.

طرح دوفوریتی برای اصلاح فعالیت بازنشستگان

عضو هیأت رئیسه مجلس گفت: طرح اصلاح قانون منع به‌کارگیری بازنشستگان به صورت دو فوریتی در مجلس در حال تهیه است و بعید می‌دانم که این طرح در مجلس به صورت سه فوریتی مطرح شود. محمدعلی وکیلی در گفت‌وگو با ایرنا درباره اظهارات محسن هاشمی رئیس شورای شهر تهران مبنی بر مطرح شدن طرح اصلاح قانون منع به‌کارگیری بازنشستگان به صورت سه فوریتی در مجلس گفت: بعید می‌دانم این طرح به صورت سه فوریتی در مجلس مطرح شود زیرا حتی برای دوفوریتی مطرح شدن آن نیز نیاز به دو سوم آرای نمایندگان است.

جناب آقای مهندس محمدرضا سروش

انتصاب شایسته جنابعالی را به عنوان **مدیر عامل گروه خودروسازی سایپا**، صمیمانه تبریک عرض نموده و توفیق روز افزون حضرتعالی را از خداوند متعال خواستارم.

محمد قیامتی یزدی
کانون تبلیغات خلاق طرح باران

جناب آقای دکتر تقوی

مدیرکل محترم اداره امور مالیاتی البرز

شرکت پادرعد بر خود لازم و واجب می‌داند از حمایت‌های بی‌دریغ جنابعالی و کلیه همکاران زحمتکش آن اداره کل در راستای حمایت از واحدهای تولیدی استان خصوصاً این مجموعه تولیدی صمیمانه قدردانی و تشکر نماید.

مجید دانشور - گروه صنعتی پادرعد

ایران online
www.ion.ir
با ایران آنلاین آنلاین باشید